

تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین

حسین بن محمد حسن قمی
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش ششم

صحن عتیق

صحن عتیق^۱ از بناهای شاه اسماعیل صفوی است که در سنه ۹۲۵ [هجری] آن را بنا نموده. فتحعلی شاه قاجار در سنه ۱۲۱۸ هجری^۲، طرف شرقی و غربی آن را که نما بوده، خراب کرده، حجرات را بنا نموده و صحن را بزرگ گردانید و آب انباری بنا نموده و درب او را میان صحن مطهر باز نموده است.

این صحن مشتمل بر ۱۹ بقعه^۳ که نه بقعه آن از بناهای فتحعلی شاه است و شش بقعه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است و چهار بقعه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است و چهار بقعه از بنا[ها]ی صاحبان بقاع است.

اما بقاعی که از بناهای شاه اسماعیل صفوی است، از این قرار است:

بقعه اول

بقعه فتحعلی شاه [قاجار] است که اصل بنای آن از شاه

۱. صحن عتیق را به نام صحن کوچک نیز می خوانده اند که در عین کوچکی مشتمل بر چندین اثر ارزنده تاریخی از دو دوره صفوی و قاجاری است. در آغاز به شکل مربع بوده و در دو ضلع جنوبی و شمالی آن سه ایوان وجود داشته؛ اما ضلع های شرقی و غربی آن، دیواری ساده بوده و در زمان فتحعلی شاه قاجار، به شکل هشت ضلعی مختلف الاضلاع نامنظم درآمد و جهات اصلی آن از شمال به جنوب ۳۴/۳۰ متر و از شرق به غرب ۳۳/۳۰ متر و جهات فرعی ۳/۴۰ متر و طول آن از شمال به جنوب، ۲۵/۷۰ متر و عرض آن ۳۴/۷۰ متر می باشد. در روزگار فتحعلی شاه شامل حدود بیست مقبره و حجره بوده، اما اکنون فقط دارای شانزده مقبره و حجره است و در جلو حجره ها در اضلاع شرقی و غربی، ایوانی است زیبا و با ازاره های متنوع کاشی و سنگی و بغله ها و اسپر سفیدکاری و پوشش مفرس گچی و ایوان های شمالی و جنوبی آن از آثار شاه بیگم دختر شاه اسماعیل است که در ۹۲۵ قمری ساخته شده و ابنیه شرقی و غربی از آثار فتحعلی شاه قاجار است. (فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۳).

۲. فیض نوشته است که این تخریب و تغییر در سال ۱۲۴۵ قمری روی داده است. (همان، ص ۵۴۲).

۳. چنانکه اشاره شد، این بقعه ها یا به عبارتی دیگر مقبره ها و به تعبیر سوم، حجره های اطراف این صحن، در آغاز حدود بیست عدد بوده که به مرور در طرز بنای آنها تصرفاتی صورت گرفته؛ از جمله این که مقبره اعتضادالدوله در کریاس مسجد بالای سر و مدرسه مادر شاه اساساً با کریاس جزو محوطه مسجد بالای سر درآمد و مقبره علی خان قاجار در غربی ایوان طلا، جزو رواق غربی شده است و یا مقبره خاندان فیض در ضلع شرقی به راهرو و کریاس بین الصحنین تبدیل شده و قرینه آن مقبره پنج دری غربی هم مدخل مسجد اعظم شده است و دو مقبره غربی هم به یک گنبد مبدل گردیده که مقبره محمد شاه [قاجار] است. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۳).

اسماعیل است که در سنه ۹۲۵ [هجری] آن را بنا نموده^۱ [است]. فتحعلی شاه در حال حیات خود، این بقعه را از جهت مدفن خود تعمیر فرموده و سنگ مرمری که تمثال همایون خود را در حال حیات خود، بر آن سنگ مرمر، حجاری کرده بودند، بر روی مضجع او نهاده. کتیبه‌ای بر روی آن سنگ، به خط مرحوم میرزا زین‌العابدین کاشی^۲ است که در آن کتیبه این اشعار، که از گفته میرزا علی نقی [کذا] علی‌آبادی (صاحب دیوان)^۳ است، حجاری و منقور شده و این است:

سپاس قوای پاک پروردگار

به جان اندرم تا به روز شمار

به یکتائیت هر که را رای نیست

خرد را به مغز اندرش جای نیست

پدیدار کردی پی نیک و زشت

به محشر دود را ز جحیم و بهشت

ز تو خاک، پیغمبر پاک شد

از این خاکدان بر^۴ به افلاک شد

به جای نبی بر نشاندی علی

ز نسل علی یازده تن ولی

به دل مهر ایشان چو جان پرورم

بر این هستم و هم بر این بگذرم

۱. بنای این مقبره و بقعه از شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی در ۹۲۵ قمری است و نه از شاه اسماعیل، چنانکه مؤلف اشاره کرده است؛ بلکه در زمان وی انجام گرفته است و شاه بیگم آن را برای مقبره خود ساخته بوده است. (همان، ص ۵۴۶).

۲. میرزا زین‌العابدین خان بن محمدعلی کاشانی (زنده ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۸ م) خطاط و ادیب و برادرزاده فتحعلی خان ملک‌الشعراء، از تولد و زندگانی وی اطلاع زیادی نداریم، اما نوشته‌اند که وی نزد میرزا سنگلاخ تعلیم خط گرفت و نستعلیق را به شیوه میرعماد خوش و خط شکسته را نیکو می‌نوشت. او در دربار فتحعلی شاه قاجار منصب استیفا داشت. یک قطعه از سیاه مشق وی به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ، در کتابخانه ملی تهران که در ۱۲۴۴ قمری تحریر شده و کتیبه اطراف تمثال فتحعلی شاه که در روی سنگ قبر او در قم، از آثار اوست. تذکره الخطاطین سنگلاخ، ج ۱، ص ۳۶۳ - ۳۷۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۶؛ اثر آفرینان، ج ۳، ص ۱۹۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۰.

۳. میرزا محمد تقی (نقی) بن میرزا محمد زکی علی‌آبادی، متخلص به «صاحب» و معروف به «صاحب دیوان» مازندرانی، (متوفای ۱۲۵۶ ق / ۱۸۴۰ م) ادیب و شاعر و از رجال درباری روزگار فتحعلی شاه قاجار است. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست و از زندگانش نیز آگاهی زیادی نداریم، جز این‌که نوشته‌اند او در آغاز وزیر عبدالله

میرزا، حاکم خمسه و سهرورد بود و در ۱۲۳۴ قمری به تهران آمد و به حضور فتحعلی شاه قاجار رسید و شاه وی را «صاحب دیوان» لقب داد و او از آن پس تخلص خویش را «صاحب» قرار داد، در حالی که پیش از آن «ملالی» تخلص داشت؛ چنان‌که در نسخه قدیمی «دیوان» وی در مجلس به صراحت می‌توان دید. (نک: نسخه شماره ۱۰۷۲/ف، مجلس شورای اسلامی).

نام وی در همه منابع میرزا تقی یا محمد تقی آورده‌اند، برخلاف نظر مؤلف تحفة الفاطمین که نام وی را علی نقی ذکر نموده و ظاهراً همان محمد تقی درست است؛ زیرا خود مؤلف هم در دو صفحه بعد او را میرزا تقی علی‌آبادی ثبت کرده است. به هر حال علی‌آبادی به تصریح حاج میرمحمد صادق، صاحب کتاب مخزن الانشاء که منشاء علی‌آبادی را در کتاب خویش آورده است، درباره او نوشته: «علی‌آبادی ... در دولت خاقان خلدآشیاں فتحعلی شاه - روح‌الله - روحه - به تحریرات دولتی سرفراز بوده و ... صاحب دیوان». آقا بزرگ تهرانی هم درباره او نوشته است: «میرزا تقی علی‌آبادی از رجال دولت در عصر فتحعلی شاه قاجار بود و از آثار او تاریخ ملوک الکلام به زبان فارسی است که محمدحسن خان در کتاب المتظم نامری، از آن نقل کرده است.

علی‌آبادی دارای آثار و تألیفات به این شرح است:

۱. منشاء که حاج میرمحمد صادق آن‌ها را گرد آورده و در کتاب مخزن الانشاء از صفحه ۴۰۰ به بعد چاپ کرده است. نسخه‌ای خطی از آن به شماره ۸۹ در هشتاد برگ هشت سطری در دانشکده حقوق و علوم سیاسی - اقتصادی تهران موجود است.

۲. دیوان شعری که به گفته هدایت شامل شش هزار بیت است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۰۸/ف و شماره ۱۰۷۲/ف و ۱۷۴۲۹/۲ در ۱۸۸ برگ و ۲۴۵ برگ و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) به شماره ۲۵۹ و شماره ۲۶۰ در ۱۹۱ برگ ۱۷ سطری و نسخه‌ای دیگر از دیوانش بنام مدایح و مراثی به شماره ۱۵۱۰/۱ در ۲۷۶ برگ در کتابخانه ملی ملک و نسخه دیگر از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۹۸۵/۵ موجود است.

۳. کلام الملوک یا «رسالة خاقانیه» که به شماره ۷۵۱۷ در ۲۲ برگ پانزده سطری در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) موجود است.

۴. کلیات صاحب علی‌آبادی که نسخه‌ای از آن به شماره ۱۳۷۲۷/۱ در ۲۶۱ برگ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. کلیات وی شامل: تاریخ طائفة قاجار، حکایات به سبک گلستان، مکاتیب و مراسلات، قصائد و قطعات و غزل و مثنویات و نسخه‌ای دیگر از آن در مجلس که در ۱۳۰۳ قمری کتابت شده است: روضة الصفا، ج ۹، ص ۶۰۰؛ مخزن الانشاء، ص ۴۰۰ به بعد؛ تاریخ منتظم نامری، ج ۳، ص ۱۳۲۱ - ۱۳۲۴ و ۱۵۵۰؛ الذریعة، ج ۲، ص ۵۷۵ - ۵۷۶ و ج ۲، ص ۲۳، ۳۳؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۶۳۴؛ فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی، ج ۳، ص ۳۲۷ و ۴۲۳؛ مجمع النصحاء، ج ۲، ص ۲۹۸ - ۳۱۶؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۲۴؛ فهرست سپهسالار، ج ۲، ص ۶۲۴ - ۶۲۶؛ تذکره میرزا، ص ۴۹؛ محک الشعراء، شاملو، ص ۱۶۵ - ۱۶۴؛ تذکره الشعراء، ص ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۸۹.

۴. فیض این مصرع را چنین ثبت کرده است: «از این خاکدان پا بر افلاک شد.»

میراث شهاب

فرمودند که تمثال مبارک را بر روی آن کشیده و آقا محمدعلی حجارباشی^۵ او را بنماید و خاقان مغفور، در حال حیات خود، این بقعه را از جهت مضجع خود، تعیین و تعمیر فرموده و امر نمود که به طلا و لاجورد مزین و منقش نمایند

مرا بر نشاندی به تخت شهی
به رویم گشادی در فرهی
مرا ملک ایران و توران زمین

سراسر سپردی به تیغ و نگین
به آرامشم این سرای سپنج

که جای شکنج است و تیمار و رنج
چه خرم بهشتی برآراستی

بدان زیب و زینت که خود خواستی
عجب نبود از لطف ای کردگار

که در هر دو گیتی بوم شهریار
از این گفت من بخردان برخوردار

که از دانه‌ای ره به خرمن برند^۱
این رباعی از افکار خاقان مغفور است که بر تمثال روی سنگ منقور است:

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم
ما را به سر توقع سامان خویش نیست

کز سر گذشته‌ایم و به سامان رسیده‌ایم^۲
تخلص آن مرحوم «خاقان» است و این دو رباعی [نیز] از

خاقان مغفور فتحعلی‌شاه است:^۳

خاقانم و یک جهان گناه آوردم

در حضرت معصومه پناه آوردم
مهر نبی و حب علی را یارب

بر درگاه کبریات گواه آوردم
رباعی دیگر:

خاقانم و وامانده ز دیهیم و کلاه

ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه
اندر حرمت به مسکنت جسته پناه

یا فاطمة اشفعی عندالله
سنگی که تمثال فتحعلی‌شاه بر آن حجاری شده، از

سنگ‌های مرمری است که تاکنون سنگی به این صفا و خوبی
از معدن بیرون نیامده، درواقع که پارچه‌ای جواهر است. این

سنگ را عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، پسر فتحعلی‌شاه که
حکمران آذربایجان بوده، حسب‌الفرمایش خاقان مغفور، از

دارالسلطنه تبریز، به دارالخلافة طهران حمل دادند. چون به
نظر مبارک خاقان رسید، عبدالله‌خان نقاش‌باشی اصفهانی^۴ را

۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۱.

۲. فیض این بیت را به این صورت آورده است:

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم

۳. فیض نوشته است که این رباعی، محاذی دهن شاه در تمثال، به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است. (همان، ص ۵۵۰).

۴. عبدالله‌خان نقاش‌باشی اصفهانی، ملقب به «نقاش‌باشی»

و «معمارباشی»، از نقاشان و معماران سده سیزدهم و معاصر

فتحعلی‌شاه قاجار. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاعی در دست

نیست و گویا تا اواسط نیمه دوم سده سیزدهم زنده بوده است. او

هنرمندی بزرگ و پرآوازه بود و در دستگاه فتحعلی‌شاه و محمدشاه

قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مقام والایی داشت. از

آثار او پیداست که در مواردی شیوه مهر علی نقاش‌باشی را دنبال کرده

و چه بسا که شاگرد او نیز بوده است. وی در چهره‌سازی

و شبیه‌پردازی پرمایه و دقیق بوده و در رنگ و روغن و آبرنگ و نقش

تصویر بر روی مینا مهارت و در طراحی و آرایش داخلی و خارجی

قصرهای سلطنتی و سایر عمارات دولتی نیز، مقامی درخور تحسین

داشت. از آثار او تابلوی رنگ و روغنی بزرگ و طویل صف سلام

فتحعلی‌شاه است که اصل آن از میان رفته و فقط نشانه‌هایی از آن به

یادگار مانده است. از دیگر آثار او: تصویر تمام قد عباس‌میرزا با لباس

سرخ‌رنگ و تاج مرصع و کنگره‌دار و تصویر آبرنگ از شاهزاده

خانمی است. دیگری تصویری خیالی آقامحمدخان قاجار

و فتحعلی‌شاه و جمیع شاهزادگان در قصر سلیمانیه کرج است: احوال

و آثار نقاشان، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۱۱؛ مجله هنر مردم، شماره ۱۴۴؛ گلستان هنر،

ص ۵۰؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، سرمدی، ص ۳۶۷-۳۶۸؛

اثرآفرینان، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۵. آقا محمدعلی حجارباشی (زنده ۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م) نقاش

و قلمدان‌ساز. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاع

بسیاری در دست نیست، جز این‌که نوشته‌اند: وی نقاش رنگ

و روغن کار دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار است که در

شبیه‌سازی و ارائه مجالس رزمی و بزومی مهارت بسیار داشته و گل

و مرغ و پرندسازی را نیز نیکو می‌دانسته است.

از آثار او می‌توان تصویر صف سلام فتحعلی‌شاه قاجار با رقم:

«عمل کم‌ترین محمدعلی فی سنه ۱۲۵۰» دانست که در موزه هنری

ملت آسیا در مسکو موجود است. دیگری تصویر آبرنگ‌دختر زیبایی

به شیوه اروپائیان با رقم: «در شب مشق شد کم‌ترین محمدعلی»

و دیگر تصویر آبرنگی گل قرنفل کوچکی با رقم: «کم‌ترین

محمدعلی» و دیگری قلمدان گل و مرغ زیبایی با رقم «کم‌ترین

محمدعلی ۱۲۵۸» است: تاریخ اصفهان، همایی؛ مجله هنر و هنرمندان،

ص ۳۵۷؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، سرمدی، ص ۷۵۳؛ احوال

و آثار نقاشان، ج ۲، ص ۹۱۲-۹۱۳؛ اثرآفرینان، ج ۵، ص ۱۷۳.

و در سنه ۱۲۵۰ [هجری] که سال آخر دولت او بود، تعمیر بقعه اتمام یافت و حجاری سنگ تمام شد.

قایم تقدیر، در همان سال موکب همایون، او را به طرف اصفهان کشانید. چون به قم نزول اجلال فرمودند، پس از التمام آستان مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در صحن مطهر، بدان بقعه درآمدند و فرمودند این بقعه از جهت مدفن من ان شاء الله مبارک خواهد بود.

هنگام بیرون آمدن که جمیع ارکان دولت صف کشیده بودند، روی خود را به حاجی علی محمد غرقی خوانساری نمود و بر زبان مبارک برآورد که ای غرقی! خدمات مضجع من به عهده کفایت توست. نظر به این گفتار، چون در شب جمعه شهر جمادی‌الثانیه سنه ۱۲۵۰، در عمارت سعادت‌آباد اصفهان به رحمت ایزدی واصل گشت، با احتشام تمام، به دستور سلطنت، شاهزادگان عظام و خوانین کرام، نعش مطهر او را حمل به قم داد، در حجره‌ای که از جهت این کار آماده داشته، در سیم شهر رجب المرجب مدفون شد:

بسی ناسزاوار و نادلکش است

جهانی که فتحعلی‌شاه کش است

نظر بدان فرمایش، خدمت مضجع منیف او را موکول به حاجی علی محمد [غرقی] نمودند و پی‌کار خود رفتند.

پس از آن‌که تاج و کمر از فر وجود پادشاه ماضی محمدشاه غازی زیور یافت، تولیت مضجع خاقان را به «غرقی» مرحمت فرمودند و قریبتین بیدهند^۲ و کهک^۳ که از قراء معتبر این بلد شریف است و هزار تومان نقد و نود و سه خروار جنس مثال دیوانی آن‌هاست، تیول بدو مرحمت فرمودند که صرف معیشت خود و مخارج بقعه بنمایند.

پس از این‌که جسد خاقان مغفور را در این بقعه شریفه دفن نمودند، حسب الامر محمدشاه، سنگ روی مضجع او را هم به قم حمل نموده و بر روی مضجع او برنهادند.

در یکی از زوایای بقعه، صفه‌ای است که سنگ بزرگی در آن منصوب است که در او «کلام الملوک» نسب‌نامه خاقان مغفور است. بر روی آن صفحه سنگ نگاشته و حجاری شده، چون خاقان از این دار فانی رخت به ملک باقی کشیدند، محمدشاه غازی مقرر فرمودند که شب خاقان مغفور را بر روی این سنگ نگاشته، به بقعه خاقان حمل دهند و در یکی از صفه‌های آن بقعه نصب نمایند.

ندبا و ادبای مملکت چنان مصلحت دیدند که میرزا تقی علی‌آبادی صاحب دیوان، نسب‌نامه فتحعلی‌شاه را بر آن صفحه سنگ برنگارند. چون ملاحظه کردند، دیدند

۱. حاج علی محمد فیض خوانساری، متخلص به «غرقی»، متوفای (۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۹ م) شاعر و ادیب و از خاندان مولانا محسن فیض کاشانی و عموی آقا میرزا علی‌اکبر فیض، صاحب تاریخ قم که پس از غرقی عموی خود متولی بقعه فتحعلی‌شاه شد. غرقی پس از مرگ فتحعلی‌شاه بنا بر وصیت فتحعلی‌شاه و تصویب محمدشاه به تولیت بقعه فتحعلی‌شاه گماشته شد و پس از مرگ در عتبه بقعه مزبور به خاک سپرده شد. او سال‌ها ندیم و جلس‌فتحعلی‌شاه بود و سمت حکومت کاشان به وی محول گردید. از زندگی وی اطلاعات بیشتری در دست نیست. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۷، ۵۴۸).

۲. بیدهند در گذشته از دهات معتبر قهستان به‌شمار می‌رفت و در تیول شاهزاده محمد هادی میرزا پسر فتحعلی‌شاه بود. این روستا از بیلاقات خوب قهستان است و در کنار رودخانه خرمی قرار دارد و بسیار باصفا و معتدل است. آب آن از قنات است که از دشت قریه کر مچگان جاری است؛ از هرگونه میوه بیلاقی در آن‌جا یافت می‌شود و در اطراف آن تلال و جبال است و کبک و تیهو بسیار و شکار کوهی نیز دارد. در این روستا درختی است از جنس آلو که آن را «هرهریچه» می‌گویند و آن قدر بارور می‌شود که شاخه‌های آن شکسته می‌شود. در آن‌جا گندم و جو نیز کشت می‌شود. اکنون بیدهند از روستاهای بخش کهک به‌شمار می‌رود: راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ج ۱، ص ۲۷-۲۸ به نقل از کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، ارباب و کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم، افضل الملک؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۸.

۳. کهک در گذشته از روستاهای معتبر قهستان بوده و در جنوب شهر قم قرار داشته و از بزرگ‌ترین قریه‌های قهستان به‌شمار می‌رفته است. پس از استان شدن قم، منطقه کهک که نوفل لوشاتو نیز خوانده می‌شود و مرکز آن شهر کهک است و از نظر جمعیتی بعد از بخش مرکزی قرار دارد، ولی بیشتر آبادی‌های آن خالی از سکنه است. دشت کهک در جنوب استان واقع شده با رودهای مختلفی مانند وشنوه، فردو و دره‌باغ مشروب می‌شود و شامل دهستان‌های کهک و نیزار است. کارخانه‌های صنعتی مهم عموماً در بخش نیزار و ناحیه صنعتی سیرو قرار دارند و رشد صنعتی در آینده این دهستان به علت قرار گرفتن بر سر راه‌های ارتباطی و وجود معدنی مانند گچ، درخشان خواهد بود.

مردم این بخش، به‌ویژه کهک، رعیت پیشه و کاسب‌اند و اهل بزم و رزم ندارند. شتوی آنجا اغلب گندم و جو است. جوزقکاری آن‌جا در نهایت اعتبار است؛ خوب نسق می‌کنند و خوب به عمل می‌آورند. هوای آن‌جا معتدل است اما نمی‌توان آن‌جا را بیلاق قرار داد. باغ‌های آن قیسی، زردآلو، امرود و انجیر است. در گذشته در کهک قاشق‌های خوب می‌تراشیدند و کوزه‌های نازک و لطیف می‌ساختند و آهنگری می‌کردند. کهک با قم چهار فرسنگ فاصله دارد: راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ج ۱، ص ۱۲۶ به نقل از کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، ارباب و کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، افضل الملک؛ جغرافیای استان قم، ص ۲۸ (۱۳۷۶) و ص ۷، ۱۴، ۳۹ (۱۳۷۹).

شاعران در مدح فتحعلی شاه می‌سرودند، حفظ می‌کرد و سپس روایت می‌نمود؛ از این رو «راوی» تخلص می‌کرد. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی او را بسیار ستوده است و درباره وی گفته: «چشم چون تو فاضلی را ندیده است: لم تر عینی مثلکم فاضلاً».

او به همراه هیئت عذرخواهی به ریاست خسرومیرزا، از فرزندان عباس میرزا نایب‌السلطنه، که به سبب قتل گریبایدوف، وزیر مختار روسیه در ۱۲۴۴ قمری به روسیه سفر کرد و در مسیر با پوششکین شاعر معروف روسی ملاقات کرد و پوششکین پس از ملاقات با وی بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و بعدها در سفرنامه اردزوم خود در قطعه شعری، درباره این دیدار سخن گفته است.

از فاضل خان گروسی منشأی باقی مانده که نثر آن، نمونه عالی فصاحت در روزگار وی بوده است. از وی نامه‌ای در دست است که به آقاخان محلاتی نوشته و بهار در سبک‌شناسی آن را نقل کرده است.

از دیگر آثار وی که بسیار معروف است، کتاب تذکره انجمن خاقان است که مهارت وی را در نویسندگی نشان می‌دهد. در این کتاب وی معاصران خود را در یک مقدمه و چهار انجمن و یک خاتمه آورده است. این کتاب با مقدمه دکتر توفیق سبحانی در سال ۱۳۷۶ شمسی در تهران انتشار یافته است. او پس از نوشتن این کتاب بود که به روسیه سفر کرد. در اواخر عهد فتحعلی شاه مدتی در همدان و کرمانشاه به عنوان مأمور به سر برد و در اثنای آن سفر به بیماری سختی مبتلا شد؛ پس از بهبودی به عتبات رفت و پس از بازگشت به تهران مدتی در زمان محمدشاه نیز جزء منشیان دربار بود، ولی بعد کناره‌گیری کرد و در ۵۴ سالگی چند ماه پس از مرگ پوششکین دیده از جهان فرو بست: روضة الصفا، ج ۹، ص ۵۸۳ و ۴ و ۱۱۴/۱۰، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۶۹؛ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سیهالار (شهید مطهری)، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۵۹؛ محک شعراء (خطی)، برگ ۲۴۰-۲۴۲؛ تذکره دلگشا؛ تذکره محمد شاهی، ص ۴۵۵؛ سفینه محمود، ج ۲، ص ۴۶۳-۴۶۵؛ تذکره میزی، ص ۳۶؛ جام جم، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۵۰؛ مصطفی خراب، ص ۶۷-۶۸؛ مجله یغما، س ۱۱، ش ۱۱، ص ۴۹۴-۴۹۸؛ فرهنگ سخنوران، ص ۲۲۳؛ اثر آفرینان، ج ۳، ص ۹۳-۹۴؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ الذریعة، ج ۴، ص ۲۸-۲۹ و ج ۹، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۷؛ مجله ارمغان، س ۲۴، ش ۴، ص ۱۶۸-۱۷۰؛ از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۸.

۲. فتح‌الله میرزا، ملقب به شعاع‌السلطنه، (۱۲۲۶-۱۲۸۷/ق ۱۸۱۱-۱۸۷۰ م) فرزندسی و پنجم فتحعلی شاه قاجار و پدرشکوه‌السلطنه، مادر مظفرالدین شاه که ناصرالدین شاه در ۱۲۶۸ قمری، وی را به عنوان سومین زن عقدی، به عقد خویش درآورد. او مدتی حاکم زنجان و همدان بود و در ۱۲۸۶ قمری درگذشت (بامداد رجال ایران، ج ۲، ص ۵۵).

۳. عبدالله خان حشمت‌الدوله، فرزند عبدالله میرزا یا عبدالله خان (۱۲۶۱-۱۳۲۲/ق ۱۸۴۵-۱۹۰۴ م) پسر بیست و ششم عباس میرزا نایب‌السلطنه و برادر حمزه میرزا حشمت‌الدوله است. در آغاز نامش سلطان ابراهیم میرزا بود و پس از مرگ پدرش در جوانی به امر ناصرالدین شاه به نام پدرش عبدالله میرزا، عبدالله نامیده شد و در ۱۲۹۷ قمری که حمزه میرزا در بانه وفات کرد، عبدالله میرزا ملقب به «حشمت‌الدوله» شد. او مدتی حاکم استرآباد شد و با تعدی و تجاوز به حقوق مردم، مال و منال فراوانی به دست آورد. (همان، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۱).

کلام الملوک، بر این صفحه زیادتى می‌نمایند و به تمامه نوشته نمی‌شود. از این جهت به فاضل خان گروسی^۱، که از ندمای بزم شاهی و ادبای معروف ایران بود، فرمان شاهی عز صدور یافت که مطالب کلام الملوک را موجز نموده، زواید او را ساقط کرده، به طرزى که خللی در مطالب او راه نیابد و در این صفحه سنگ گنجیده شود.

فاضل خان برحسب امر شاهی، بعضی از کلمات او را ساقط نموده، میرزا محمدحسین معروف به «ساعت‌ساز»، که از مشاهیر نویسندگان ایران بود، به خط خودش آن صفحه سنگ را برنگاشته؛ پس از اتمام کار از دارالخلافه، او را حمل به قم داده و در صفة بقعه خاقانی نصب شد و شاه‌نشینی که در این بقعه است، طرف مدرسه حسب‌الامر ناصرالدین شاه قاجار، از حجرات مدرسه گرفته و داخل در بقعه نمودند.

[قبور شاهزادگان در بقعه فتحعلی شاه قاجار]

و قبر چند نفر از شاهزادگان عظام در این بقعه واقع است که به ذکر سه نفر از ایشان پرداختیم:

قبر شعاع‌السلطنه^۲

قبر شعاع‌السلطنه فتح‌الله میرزا واقع است روی پایه‌ای که بین بقعه و شاه‌نشین است و در سنه ۱۲۸۷ [هجری] وفات نموده است.

قبر حشمت‌الدوله^۳

قبر عبدالله خان حشمت‌الدوله، در یکی از صفه‌های بقعه

۱. محمد فاضل خان گروسی (۱۱۹۸-۱۲۵۲/ق ۱۷۸۴-۱۸۳۶ م) ادیب و ندیم محمد شاه قاجار. وی از طایفه بایندر ترکمان است که در گروس، از توابع همدان، دیده به جهان گشود و در ۱۲۱۴ قمری که پدر خود را از دست داد. زندگی وی رو به سختی و عسرت نهاد و پس از مدتی به بین‌النهرین سفر کرد و مدتی در آنجا ماند و به تحصیل پرداخت. پس از سفرهای دیگر سرانجام به تهران آمد و با فتحعلی خان صبای کاشانی که ملک‌الشعرا و مقرب الخاقان بود، آشنایی یافت و او وی را به فتحعلی شاه قاجار معرفی کرد و به دستور فتحعلی شاه وزیر نظر صبا به تحصیل خود ادامه داد و پس از پنج سال به کمالات بسیاری دست یافت، تا آن‌جا که فتحعلی شاه او را به «فاضل خان» ملقب ساخت و منصب جارچی‌باشی را - که تقریباً معادل ریاست کل تبلیغات امروز است و از مناصب بزرگ دوران قاجاریه است - به وی واگذار کرد.

او چندسال جزو منشیان مخصوص بود و در سفر و حضر همراه شاه بود و به دلیل خوش‌بینی قضایدی را که فتحعلی خان صبا و دیگر

مدفون است و قطعه‌ای که ماده تاریخ اوست، بر روی سنگی
 حجاری کرده، مکتوب و بر دیوار آن صفت منسوب است:
 چیست این نوحه که در زمزمه زیر و بم است
 بر رخ خلق جهان ریخته گردالم است
 شیخ و شابند سیه‌پوش و قرین ماتم
 فاش بر جبهه خلقی همه آثار غم است
 شاهدان روی خراشیده ز سرپنجه غم
 عارفان را به لب افسوس و به رخسار غم است
 سفرای دول خارجه در حزن و ملال
 هر یکی را سیه از گردش دوران علم است
 امرا را ز کمر باز همه تیغ نظام
 وزرا را به زمین از کف هر یک قلم است
 موگنان مویه گنان مردم ایران ز چه رو
 علما را به سر از چیست که دست ندم است
 حشمت‌الدوله از این دار فنا کرده سفر
 آن که صد حاتم از آوازه جودش اصم است

محن و یحیا به سر سفره جودش مهمان
 بردن نام ز قآن بر نامش ستم است
 خجل از رشح کفش آبر به هنگام بهار
 بحر در نزد دلش شبنم و قلبش چه یم است
 گشت مدفون به مکانی که بود رشک جهان
 بهر تعظیم زمینش کمر چرخ خم است
 در پناه حرم امن مهین اُخت رضا
 هر که شد دفن بود ناجی و صید حرم است
 غوص را طبع به دریای تفکر «یحیا»
 گوهری یافت که زبندۀ دیهیم و جم است
 دو کلام شده از مصرع دیگر تاریخ
 مدفن هر که بقم شد «بیقین محترم است»^۱

قبر محمد امین میرزا^۲

قبر محمد امین میرزا، در صفه‌ای از صفه‌های بقعه واقع است
 که در سنه ۱۳۰۴ [هجری] وفات نموده است و قطعه‌ای که
 ماده تاریخ اوست، بر روی سنگی حجاری کرده و بر دیوار آن
 صفت منسوب است و قطعه این است:
 ز دور چرخ از این گردش شهر و سنین
 چرا نباشد دانا به صبح و شام غمین

عروس دنیا با هیچ کس نبرده به سر
 ز بهر آن که بود بی‌وفائیش آیین
 چنانکه از پس هفتاد سال نعمت و ناز
 نمود عم شهنشاه را به خاک دفین
 بزرگ‌زاده خاقان و افتخار تبار
 فرشته خصلت و شهزاده محمد امین
 چه برگذشت ز هجرت هزار و سیصد و چار
 هوای قصر جنان کرد بهر حورالعین
 به صحن حضرت معصومه چون پناه آورد
 ملک سرو و بیاسود در بهشت برین
 به زیر پای ستوده پدر چه مأوا ساخت
 شدند شاد از این مسکنش بنات و بنین
 نوشت «مشتی»^۳ از بهر سال تاریخش
 «سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین»^۴

۱. جمله «بیقین محترم است»، به حروف تهجی و ابجد، مساوی است
 با رقم ۱۳۲۲ که سال مرگ حشمت‌الدوله است.

۲. محمد امین میرزا (۱۳۳۴ - ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۱۹ - ۱۸۸۶ م) پسر
 چهل و پنجم فتحعلی‌شاه قاجار. در زمان سلطنت محمدشاه
 و ناصرالدین شاه، حکومت‌های درجه ۳ و ۴ به او واگذار می‌شد.
 وی در ۱۲۸۵ قمری به خواست شاه نایب‌الحکومه علیقلی میرزا در
 ملایر و تویسرکان شد و در ۱۲۸۷ قمری حاکم کمره و در اواخر
 ۱۲۹۰ قمری، حاکم گلپایگان و خوانسار گردید. (همان، ج ۳،
 ص ۳۰۱).

۳. مشتی خراسانی، حسام الشعراء ابوسعید ابراهیم - محمد ابراهیم -
 (۱۲۶۴ - ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۴۸ - ۱۸۸۷ م) شاعر که نسب به میرزا طاهر
 وحید وقایع‌نگار صفوی می‌برد و اصلاً اهل مشهد است. در
 نوجوانی ساکن تهران شد و به خدمت شمس الشعراء محمدعلی خان
 سروش، از شاعران عصر ناصری رسید و شاگردی وی را اختیار
 کرد و اشعار استاد خود را در مناقب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با عنوان
 شمس المناقب گرد آورد و به هزینه خود چاپ نمود و در پایان آن
 مقداری از اشعار خود را نیز ذکر کرد. از آثار او: سفرنامه حاج میرزا
 منتری به مکه؛ رساله قمارنامه؛ دیوان شعر را می‌توان نام برد: (صبح گلشن،
 ص ۴۱۴؛ حدیقه الشعراء، ج ۳، ص ۱۶۴۶ - ۱۶۵۲؛ الذریعه، ج ۹،
 ص ۱۰۴۶؛ راهنمای کتاب، س ۱۸، ش ۱ و ۳، ص ۱۶۵ - ۱۶۷ و ش ۷
 و ۹، ص ۶۲۸ - ۶۳۲؛ صد سال شعر خراسان، ص ۵۳۸ - ۵۴۰؛ گنج شایگان،
 ص ۵۲۲ - ۵۲۸؛ مکارم الآثار، ج ۵، ص ۱۷۵۱ - ۱۷۵۲؛ مؤلفین کتب چاپی
 مشار، ج ۸، ص ۹۳؛ فرهنگ سخنوران، ج ۲، ص ۸۴۵؛ انوارفرینان، ج ۵،
 ص ۲۳۴).

۴. مصرع «سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین» به حروف ابجد مساوی
 با عدد ۱۳۰۴ است.

قبر نایب السلطنه کامران میرزا^۱

قبر نایب السلطنه کامران میرزا خلف ناصرالدین شاه قاجار که در سنه ۱۳۴۷ [هجری] وفات نموده است و پای شاه نشین بقعه است و سنگ تاریخ او بر دیوار نصب است و این قطعه بر روی سنگ نوشته شده:

جوهر پادشاه مهر سریر

نایب السلطنه امیر کبیر

آن که دم زد همی به سر و علن

از غلامی شاه خیبرگیر

سال هفتاد و یک ز بعد دویت

آن همایون نژاد و پاک ضمیر

روز پنجم ز ماه ذی قعدة

شد فروزان چه مه ز برج منیر

کامران گشت و کامرانی کرد

سالها بانهایت توقیر

واندرین روزگار آخر عمر

منزوی شد به احسن التدبیر

چندگاهی مریض شد ز قضا

گشت تسلیم پنجه تقدیر

رمضان سال سیصد و چهل و هفت

آمد از دور زندگانی سیر

دوم ماه ز روی شوق کشید

مرغ روحش به شاخ سدره صفیر

رحمت حق به روح پاکش باد

از خدای کریم و حی قدیر

یادگار فروغ عظمی شد

نصب این سنگ بانی و تعمیر

این قطعه در تاریخ وفات فتحعلی شاه است از گفته حاجی

علی محمد غرقی که بر روی سنگی نوشت شده، بر دیوار ایوان

بقعه نصب است:

دادگر فتحعلی شاه که بود

مظهر رحمت حق ناصر دین

تا چهل سال به عز و اقبال

بُد به اسلام نگهبان و معین

راند موکب به صفاهان از وی

به کمی تیره مه آن شاه مهین

در جمادی دوم نوزدهم

شب آدینه به هنگام پسین

تا که از هاتف غیبی بشنود

ابشروا الجنة از روی یقین

تخت و افسر به محمد شه داد

کش سزا دید به دیهیم و نگین

مرغ روحش ز سعادت آباد

کرد پرواز سوی علین

۱. کامران میرزا نایب السلطنه (۱۲۷۲ - ۱۳۴۷ ق/ ۱۸۵۵ - ۱۹۲۸ م)

سومین فرزند ناصرالدین شاه قاجار و ملقب به «نایب السلطنه» و «امیر کبیر!». وی در سال ۱۲۷۷ قمری و در شش سالگی به جای فیروز میرزا نصرت الدوله (فرمانفرما) به معاونت پاشاخان امین الملک، حاکم تهران شد و در ۱۲۸۳ قمری وقتی ناصرالدین شاه عازم خراسان بود، وی را به جانشینی خویش و نایب السلطنه قرار داد، در حالی که یازده ساله بود و بعدها هرگاه ناصرالدین شاه به سفر می رفت، وی را نایب السلطنه قرار می داد. در ۱۲۸۵ قمری منصب سردار کلی (فرماندهی کل قوا) را در سیزده سالگی به او محول کرد و به امیر کبیر ملقب شد.

در ۱۲۸۷ قمری و در پانزده سالگی به عنوان وزیر جنگ انتخاب شد. پس از بازگشت به تهران از سفر اروپا در ۱۲۹۵ قمری، کارهای حکومتی را بین فرزندش کامران میرزا، مستوفی الممالک یوسف و میرزا حسین خان سپهسالار تقسیم کرد؛ در حالی که پیش از آن بین دو نفر اخیر تقسیم شده بود. از این رو حکومت تهران، قزوین، گیلان، مازندران، دماوند، فیروزکوه، قم، کاشان، ساوه، ملایر، تویسرکان، نهاوند، استرآباد، شاهرود، بسطام، دامغان و سمنان برعهده وی گذاشته شد و هم چنین رسیدگی به امور شاهزادگان، عالمان و امور مربوط به تجارت نیز به او محول شد. در ۱۳۲۴ قمری و در سلطنت مظفرالدین شاه، پس از ده سال برکناری از کار، دوباره به وزارت منصوب شد و در ۱۳۲۷ قمری و پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه قاجار از روسیه تقاضای تحت الحمایگی کرد. کامران میرزا در زمان احمدشاه قاجار در ۱۳۲۵ قمری یک سال و اندی به حکومت خراسان برگزیده شد و پس از بازگشت به تهران تا آخر عمر بیکار ماند و در ۱۳۰۷ شمسی در ۷۵ سالگی دیده از جهان فرو بست و در آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد. وی بام و میله دو گلدسته مزبور را با خشت های زرین بیاراست و در مدرسه شمالی را دارالشفای ساخته، هزینه دارو و اطعام و حقوق طبیب و پرستار آن را متکفل شد و از آن روز به بعد این مدرسه، به نام دارالشفای خوانده شد. نیز چون در قم ساکن بود، پارکی برای سکونت خویش بنا کرد که به نام پارک نایب السلطنه مشهور شد و بعدها جزو مدرسه حجتیه درآمد و محل سکونت طلاب گردید؛ از این رو بخش های مختلف این مدرسه را پارک می نامند. او بانی تذهیب و طلاکاری گلدسته های صحن عتیق است: (بیامداد رجال ایران، ج ۳، ص ۱۴۹ - ۱۶۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۲۱، ۵۹۰، ۶۸۵، ۶۹۰).

باد جاوید به جنات نعیم
 خادم بارگهش حورالعین
 چون همایون تن پاکش در قم
 سیم شهر رجب گشت دفین
 کلک «غرقی» پی تاریخ نگاشت
 سنه الف و مآتین و خمسین^۱

۱. فیض در وصف گنبد فتحعلی‌شاه چنین نوشته است: «... به هر صورت قاعده گنبد هفت ترکی نامنظم مختلف‌الاضلاع به طول شرقی و غربی ۶/۲۰ متر و عرض ۵/۵۰ متر که جهات اصلی آن ۳/۵۰ و ۳ متر و جهات فرعی ۲ متر است. در سال ۱۲۸۰ قمری ناصرالدین شاه تزیینات آینه آن را به تزیینات گچبری تبدیل نموده و به صورت کنونی درآورد و این گچبری حدود ده سانتی‌متر از سطح دیوار برجسته و دارای نقوش گل و بوته و خوشه انگور است که روی زمینه آن را با طلا و لاجورد رنگ آمیزی ساخته‌اند. ازاره بقعه به ارتفاع یک متر سنگ مرمر منقش بود که اینک به الواح قبور تبدیل گردیده و نظم اولیه را از دست داده است. در جهات اصلی آن هر طرف شاه‌نشینی است که شاه‌نشین شمالی متصل به آسایشگاه و میانه آن‌ها سه درگاه دو طبقه و میانه هر دو درگاه ستونی استوانه‌ای با سر ستونی آراسته به گچبری قرار دارد. این ستون‌ها در دو مرتبه چهار تا با چهار نیم ستون می‌باشند که زیبا و خوش‌منظر است و در جهات فرعی صفا‌ی محرابی در دو طبقه ساخته شده است. دهانه هر صفا یک متر و سی سانت و ارتفاعش ۳ متر و قطر پوشش میانه آن‌ها نیم متر و ارتفاع صفا فوقانی ۲/۵۰ متر است.

در این مقبره چند چیز جلب توجه می‌کند، از جمله لوحی حاکی از تاریخ زندگی و خدمات فتحعلی‌شاه است که در صفا تحتانی زاویه شمال غربی نصب گردیده است؛ دیگری لوح قبر او و سومی چند زوج درب مثبت است.

امالوح مرمر زمینه طلاکوب که زیاده ممتاز و به طول ۲/۸۰ و عرض ۱/۳۰ متر روی اسپر صفا را زینت بخشیده است و تاریخچه زندگی فتحعلی‌شاه و نسب او و خدماتش به دیانت و روحانیت و جنگ وی با دولت روس و اخراج قشون آن‌ها از کشور و پرداخت سالی یک میلیون تومان به علمای آن با کمال مهارت نوشته و حجاری شده.

و روی سردابه مرقدی است به ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر از مرمر سفید صیقلی و شفاف و بر روی آن تخته‌سنگی از مرمر نفیس و ممتاز نصب گردیده است، به طول ۲/۲۵ و عرض ۱/۴۰ متر و قطر ۲۰ سانتی‌متر که در متن آن وسط تصویری از فتحعلی‌شاه در لباس تمام رسمی با حمایل و شمشیر مرصع و کمر جواهر نشان و خنجر مکمل و کمر بند ترصیع شده به دو قطعه الماسی از کوه نور و دریای نور، که این مجسمه در کمال مهارت به ارتفاع سه سانتی‌متر حجاری گردیده است و در دو جانب آن، تصویر دو فرشته: یکی در راست با گرز گران و دیگری در

چپ با جام جهان‌نما و در میانه آن تسبیح صد دانه‌ای که سرش در دست شاه است و نیز بر فراز سرش تصویر دو فرشته دیگر در حال هبوط، در حالی که دست به دست یکدیگر داده شاه را در پناه گرفته‌اند، حجاری شده است.

در محاذات دهن شاه به خط نستعلیق برجسته چنین خوانده می‌شود:

از نتایج افکار ابکی طبع گوهر بار شاهنشاه دین پناه - ایدالله ملکه و دولته:

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم
 ما را به سر توقع سامان خویش نیست

کز سر گذشته‌ایم و به سامان رسیده‌ایم
 در میانه ترنجی در گوشه آن و پایین عبارت (کمترین بنده شه عبدالله) و در ترنج دیگر (العامل محمدحسین حجاری‌باشی) و در ترنج سوم (کاتبه زین‌العابدین کاشی) و در چهارم (ناظمه محمدتقی علی‌آبادی) و زیر تصویر شاه عبارت (السلطان فتحعلی‌شاه قاجار) حجاری شده است.

این سنگ نفیس و ممتاز را شاهزاده عباس میرزا ولیعهد در زمان حکومت خود در آذربایجان با صرف وجوه بسیار از معدن استخراج کرده و به مرکز نقل داد و عبدالله خان نقاش‌باشی اصفهانی تصویر پادشاه را با چهار فرشته روی آن نقاشی نموده و سپس کتیبه‌ها را میرزا زین‌العابدین به خط شیوای خود نوشته است و استاد محمدحسین حجاری‌باشی به حجاری آن پرداخت. در مدخل مقبره و مدخل بقعه قهرمان میرزا و آبدارخانه سه درب تمام مثبت از چوب ساج نصب شده است. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۸-۵۵۲).